

نقش فرهنگ انتظار در خروج از روز مرگی

زهرا خزایی، فاطمه عزیزی، اسماء عبدی،¹

چکیده

امید به آینده یکی از نیازهای انسان امروزی است؛ زیرا در پرتو امید به آینده حرکت و پویایی به وجود می‌آید و انسان را به سوی پیشرفت و تعالی سوق می‌دهد. انتظار و ظهور دولت حق و عدل نیز باعث شور و اشتیاق فراوان برای رسیدن به مقصود و موجب تلاش و کوشش جوی برای دستیابی به خواسته‌هاست.

مقوله‌ی انتظار در بعد معنا بخشی به حیات یک امت زندگی جمعی را هدفمند می‌سازد و این‌که شخص مهدی باور و منتظر با اعتقاد به بشارت پیروزی صالحان و پرهیزگاران در آینده و ظهور امام زمان (عج الله) انگیزه درونی مضاعفی برای تلاش و استقامت و خروج از روزمرگی خواهد داشت؛ لذا خداوند متعال و شریعت را برای رشد و کمال و انسان شدن به آدمی ارزانی داشته که البته کامل‌ترین این شریعت‌ها دین مبین اسلام می‌باشد. بنابراین محتاج برنامه است، انسان برای کمال و رشد نیاز به نقشه دارد و اسلام همان نقشه کمال اوست. چراکه از آغاز خلقت خداوند خلافت زمان آخرین را نوید داده است. پاداش امتحان‌های سخت الهی که بر ظفر یافتگانش بسیار شیرین می‌نماید، پاداشی بس بزرگ است که به دل می‌اندیشد، رنج‌ها را می‌زداید و دل‌ها را التیام می‌بخشد. بسا که ارزش رنجی عظیم‌تر و آزمونی سخت‌تر را در خود نهفته داشته باشد. انتظار عملی است، نه‌چندان سهل و آسان و نه آراسته به قامت ناآراستگان، عملی است با جلوه‌های گوناگون که هر جلوه آن فراز وسیعی از بلندای تاریخ است و تاریخ دیانت، نکته‌های بسیاری از انتظار دارد. برای انتظار باید کوشید، تلاش کرد، مرحله‌ها را پشت سر گذاشت و گوهر دل را به جلوه انتظار نشانده که هر فعل منتظر درسی از درس‌ها برگزیدگان الهی است.

کلیدواژه: انتظار، روزمرگی، فرهنگ انتظار

¹ طلاب سطح 2 حوزه علمیه امام خمینی (رحمه الله) کرمانشاه

مقدمه :

انتظار یکی از مهم‌ترین مطالب در حوزه‌های فکری و عقیدتی شیعه و حتی ادیان الهی دیگر است که ب مسئله موعود اعتقاد دارند. در این میان هر کی به فراخور درک، فهم، معلومات و خصوصاً زاویه‌ی دیدی که دارد سخن گفته و می‌توان مدعی شد که در مباحث اسلامی، انتظار از اولویت‌های مهم در مباحثات بوده است؛ چراکه سایر مباحث اکثراً یا بعضاً در گذشته و پیرامون گذشته است اما انتظار فلسفه‌ای رو به آینده دارد. اما آنچه قرار است روی دهد یوم‌الله ظهور است آن‌هم پس از یک‌عمر انتظار چراکه بشریت برای یافتن کمال محتاج انتظار است و این می‌طلبد که با اهتمامی بیشتر به مسئله انتظار و آثار انتظار بر زندگی پرداخت. هرکس با شخصیت فکری و منشی که دارد انتظار را به‌گونه‌ای می‌بیند. گروهی انتظار را ایستاده و بی‌حرکت می‌نگرند و هر حرکتی را در این زمان محکوم می‌کنند اینان نوعاً افرادی هستند که از شجاعت اسلامی و جسارت شیعی آن‌گونه که باید بهره‌ی کافی نبرده‌اند؛ لذا در انتظار قائم به قعود می‌رسند و برای همیشه به خودشان استراحت می‌دهند غافل از این‌که قائم با هیچ نشسته‌ای خویشاوندی ندارد و استراحتی هم که در نماز است برای قیام است نه برای قعود. گروهی دیگر که عمدتاً افرادی شجاع هستند انتظار را پویا، متحرک و دوندی می‌دانند و اساساً انتظار را فرصتی برای مبارزه با باطل به نیت تمرین برای درافتادن نهایی با باطل در فردای ظهور می‌دانند. اینان هرگز به خود راحت باش نمی‌دهند و می‌گویند: منتظر قائم باید توان هم رکابی و پای همراهی را داشته باشند و همیشه در تلاش و تکاپو برای رسیدن به دیدار یار می‌باشند؛ لذا با توجه به آنچه بیان شد عنوان مقاله را نقش فرهنگ انتظار در خروج از روزمرگی انتخاب شده است و شامل دو بخش می‌باشد که بخش اول آن شامل تعریف روزمرگی، آفات روزمرگی، عوامل روزمرگی و... می‌باشد و در بخش دوم نقش فرهنگ انتظار، انواع انتظار، اثرات فرهنگ انتظار بر روزمرگی و... بیان شده است که شامل: بصیرت و آگاهی، آمادگی دفاعی، استقامت و اقتدار، معنا بخشی به زندگی، امید و انتظار، پویایی و بالندگی، رسیدن به آرمان و اهداف و... می‌باشد. در آخرین این نتیجه گرفته شده است که انتظار یک اصل فکری و اجتماعی و هم یک اصل فطری انسانی است به این معنا که اساساً انسان موجودی

است منتظر و انتظار به معنی واقعی امید به طلوع و رهایی را در جان می‌افزاید. انتظار یعنی رشد و تعالی و اصلاح فرد و جامعه، انتظار یعنی نفی یأس و سستی، انتظار یعنی تکاپو و تلاش در زندگی و با این‌همه تفاسیر انتظار یعنی خروج از رکود و خمودگی و کسالت و ورود به تکاپو و تلاش و امید و انگیزه.

1-1 تعریف روزمرگی

روزمرگی چیزی نیست جز تکرار روزها بدون هیچ امید و اشتیاقی که باعث می‌شود انرژی و شادمانی خود را در دراز مدت از دست بدهیم و دیگر میلی به زندگی کردن نداشته باشیم از این رو روزمرگی نوعی بیماری شناخته می‌شود که به مرگ احساسات معروف است.

روزها راپشت سر هم و بی میل سپری کردن باعث می‌شود که اشتیاق و انرژی انسان از بین برود و پس از مدتی درگیر اتفاقات کوچک خوشحال کننده هم، برای انسان بی معنی شود.

زندگی تنها سرمایه انسانی است که هر کسی از آن برخوردار و تنها نعمتی است که رایگان در اختیار همگان قرار گرفته بی آنکه رنجی در به دست آوردن آن کشیده شده باشد. شاید به همین خاطر است که مردم قدر و ارزش آن را نمی‌دانند. در فرهنگ دینی، گاه زندگی به ابر بهاران تشبیه شده و گاه به طلا، و همه ی این توصیه ها به این نقطه ختم می‌شود که زندگی را باید جدی گرفت. جدی گرفتن زندگی با پرهیز از روزمرگی حاصل می‌شود. روزمرگی یعنی: یکنواختی در زندگی، عادت به حرکت نکردن، هرچه پیش آید خوش آید بی حوصلگی، زندگی بیهوده و بی جذبه و در واقع مرگ زودرس. روزمرگی به تنبلی می‌انجامد و در نهایت به بدبینی، بدبینی به زندگی و به همه چیز و همه کس. کسی که در ورطه روزمرگی سقوط می‌کند با اصل زندگی مشکل پیدا می‌کند و زندگی اش پوچ و بی معنی خواهد شد در چنین وضعی اگر به انتظار بنشینیم که اوضاع جور شود تا بتوانیم حرکتی کنیم و یا به انتظارمدی غیبی به سر ببریم و یا به انتظار قهرمانی باشیم که به جای ما حرکت آفرینی کند، انتظار به درازا خواهد کشید و سرانجامش ناکجا آباد خواهد بود. روزمرگی نهال زندگی را به سرعت می‌خشکاند و دین اسلام برای پیشگیری از این آفت زندگی سوز، انسان را تشویق به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و اعتلای اعمال کرده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ((هر کس که دو روزش مساوی باشد زیانده و اگر کردار نیکش روبه کاهش رود سزاوار نفرین است²

² بحار الانوار ج 78 ص 327

2-1 آفات روزمرگی

انسان گرفتار روزمرگی به صورت شدید به دنبال تنوع طلبی است یعنی برای معنی دهی به زندگی، از بیرون دست به اقدام می‌زند و زندگی شخصی‌اش را به امید درمان مورد همه قرار می‌دهد غافل از اینکه این تغییر موقتی بوده و ضربه‌های این تصمیم سنگین و سهمگین خواهد بود. ناامیدی و کسالت از دیگر آفات و نشانه‌های روزمرگی است و فرد دچار روزمرگی برای آینده چندان برنامه‌ای ندارد چرا که معتقد است زندگی تکراری امروز اهمیت آینده‌نگری را ندارد و ارزش‌هایش بر این اساس تغییر کرده و ارزش‌های نوین جایگزین آن می‌شود. آسیب جدی که امروزه دنیای مدرن را تهدید می‌کند خودکشی ناشی از بحران هویت است. بحران هویت در راستای تکرار مکررهای روزانه و تلقی بی ارزش بودن در انسان ایجاد می‌شود. جهان بینی به شکل جدی تغییر یافته و انسان خود را در میان انبوهی از امرونی‌های روزانه سرگردان می‌یابد در نتیجه عدم را بر زندگی مرده وار ترجیح می‌دهد.

گرایش به مصرف گرایی درد دیگر روزمرگی است. فرد دیگر با رفع نیازهای سابق ارضا نشده و بر اساس اصل تنوع‌طلبی به خلق کالاهای جدید روی آورده و با تولید نیاز در پی رفع خلاء موجود در زندگی خویش است. روشی که به شدت از سوی غرب دنبال می‌شود. پدیده فیلم، موسیقی‌های به شدت هیجان انگیز، تولید بازی‌های متنوع با رویکردهای مختلف و گاه بسیار هدفدار از سیاست‌های فرهنگی غرب به شمار می‌آید.

تمام آفات روزمرگی باعث می‌شود که انسان زندگی‌اش را به سمت وسوق پوچی گرایش دهد و همین امر پوچ گرایی باعث می‌شود که دیگر هیچ انگیزه و هدفی را در زندگی برای خود مشخص نکند و آنقدر دربی انگیزگی و پوچی به سر می‌برد تا این که زندگی‌اش خاتمه یابد. بنابراین اگر انسان می‌خواهد به این نوع زندگی هلاکت بار تن ندهد باید مسیرها و هدف‌هایی را برای زندگی خود مشخص کند تا بتواند از این ورطه نابودی خود را بیرون بکشد.

3-1 عوامل موثر در روزمرگی

می‌توان گفت ممکن است اولین و مهمترین چیزی که منجر به روزمرگی و تکراری بودن آدمها می‌شود نداشتن هدف و انگیزه است. زمانی که هیچ انگیزه‌ای در وجود شما نیست صبح که از خواب بیدار می‌شوید، فقط به کارهای روزانه خود مشغول می‌شوید همان کارهایی که شما هر روز باید انجام دهید و هیچ نشاطی در وجود شما ایجاد نمی‌کند. همه افراد در زندگی خود حدود ۱۰ الی ۱۲ ساعت مشغول کار هستند اما اکنون زمان آن

رسیده است که از خود بپرسید آیا این کار همان نیست که می‌خواهیم انجام دهیم یا کاری است که باید آن را انجام دهیم شما هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوید اقدام به سر کار رفتن و برگشتن از سر کار می‌کنید این پروسه هر روز تکرار می‌شود در همین حال از خود سوال می‌کنید آیا زندگی در کنترل من است یا من در کنترل زندگی هستم بنابراین فکر می‌کنید که زمان رها شدن از روزمرگی‌ها رسیده است و به آن چیزی که می‌خواهیم دست پیدا کنیم.

یکی دیگر از عوامل روزمرگی کسالت و تنبلی است. کسالت و تنبلی باعث می‌شود که اشتیاق و رغبت و علاقه به چیزی که در وجود انسان است از بین برود. نشاط و اشتیاق یا رغبت و علاقه به جلوه‌های جاری در زندگی از روحيات رحمت آفرینی است که حیات انسان را مهر و امید می‌بخشد و با سلامت و سربلندی، هر یک از ما را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

پیشوایان دینی ما با سیره و سخن خویش کسالت و بی‌حالی را زشت دانسته و ارزش این مهم را به گونه‌های مختلف بازگو کرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) به طور ویژه این موضوع را به بعضی از فرزندان خویش گوشزد کرده است و فرموده‌اند: «بر تو باد به دوری از کسالت و بی‌حالی و غصه و اندوه در زندگی که این دو مانع بهره و لذت تو از دنیا و آخرت می‌شود»³

1-4 مذمت روزمرگی در اسلام و قرآن

دین مبین اسلام برای پیشگیری از آفت روزمرگی توصیه‌های جدی‌ای را ارائه داده است. اسلام علائم مومن را، برنامه ریزی و تقسیم کار می‌داند. توجه به ارتباط با دیگران از طریق تقسیم کار، انسان را از افسردگی و تنهایی نجات خواهد داد.

امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: ((بپرهیز از کسالت و ملالت در امور، زیرا این دو کلید هر بدی است. کسی که به کسالت و واماندگی روده‌یج حقی ادا نکند و کسی که ملالت و بی‌قراری کند برهیج حقی صابر و شکیبا نتواند بدهد⁴)).

در قرآن کریم نیز از منافقانی یاد می‌کند که یکی از صفات بارز آنان داشتن کسالت در اقامه نماز است خداوند می‌فرماید: ((همانا منافقین با خدا مکر و حیله می‌کند و خدا نیز با آنها هم این معامله را می‌فرماید و چون به نماز می‌ایستند باحال بی‌میلی و کسالت و ریاکاری به این کار اقدام می‌کنند)) سوره نسا آیه ۱۴۲.

³ کلینی، کافی، ج 2

⁴ منتهی‌الامال، ج 2، ص 145

ندای درونی، و استغاثه ی فطری آنان پاسخ دهد. نمیابد بلکه حتی احساس سرخوردگی و بی هویتی در آینده ی تاریک ذهن و فکر بسیاری رارنج میدهد. جهان امروزی، بردیوار، وبرج وباوری محصور (دهکده جهانی) بنا گذارده شده است گرچه درها و پنجره های آن روی همگان گشوده شده و حصار ها فرو ریخته. با این حال وضعیت موجود در یک محدودیت و چرخ دوار محصور گشته به گونه ای که در این حصار دوار فرایند تکثیر داده ها و پراکندگی ایده ها حالت متورم و انفجاری یافته است.

در این فضای متورم فکری، تنها اندیش هی میتواند برفراز چشم انداز توده ها صعود نماید که از محتوای جامع اصیل غنی زنده و پایدار برخوردار باشد. هم آموزه های آن با اقتضانات فطری همساز باشد و هم بتواند برای زندگی متعالی راهکار بهتر و برتر ارائه دهد. اگر چنین اندیشه ی نابی، که از جان مایه های فطری و انسانی برخواسته است، و منطبق با فاکتورهای هویتی و ارمانی برخورد ها عرضه گردد.

بی شک از همه پوسته ها و مرزهای تصنعی عبور کرده و انگیزه های نهادی و درونی بشر معاصر را برخواهد انگيخت و یکباره همه توجهات و نگاه هارا به سوی خود معطوف خواهد کرد.

این انگاره نه از روی خوشبینی صرف، بلکه بر اصول وقواعد تبدل و تغییر در اوضاع اجتماعی مبتنی است. براساس این اصل تبدل و تغییر نظام مند اندیشه های باطل و بی ریشه علارقم جولان های زودگذر آن به زوال و نابودی محکوم است و ثبات و پایداری به اندیشه های فطری تعلق دارد که وارث تاریخ بشر خواهد بود

تکثیر اندیشه ها را به تعبیر دقیق تر (جهان اندیشه) به معنای تراکم دیدگاه و خواستها در فضای متورم فکری انسان معاصر مشاهده میشود که محور تمیلات منفعت جویی دور میزند درحالی که اندیشه جهانی در گفتمان بشر، در معاصر وجود ندارد.

اندیشه و ایده جامعی که همه ی ایده آل های مورد انتظار بشر در آن به بهترین شکل منعکس شده باشد، به گونه ای که هر انسان طرقي خواه و کمال طلبی، بازتاب ارزوهایب مطلوب خود را در آن مشاهده کند

این خاتء اکنون به خوبی درک میشود. امروزه نگاه عموم به آینده ی تمدن بشری، امیدوارانه و مثبت است.

این نگاه امیخته با دغدغه و امید امروزه ی اوضاع جهانی را تاحد زیادی، برای ایجاد تبدیل بنیادین در گفتمان کنونی از حالت متورم تكثر، و تضاد اندیشه ها به سمت یک اندیشه ی اصیل جهانی مساعد نموده است

زیرا ازیک سو رشد چشم گیر تکنولوژی ارتباطات امکان انتقال پیام را به سرعت فوق العاده ای میسر نموده و از سوی دیگر روند جهانی شدن ایده ها فرهنگ ها دغدغه و نیاز ها زمینه ی رقابت تئوریک مکاتب و اندیشه ها را برای رسیدن به ارمان مورد انتظار بشر فراهم ساخته است. همان ارمان دیرینی که پا به پای انسان تا پایان تاریخ، پیوسته با او همگام خواهد بود.

این روند به تدریج بشر معاصر را به گزینش راه آینده و انتخاب نوع فرهنگ و ایده ای ناگزیر خواهد بود که به خلق تمدن ارمانی او بی انجامد.

نتیجه گیری:

بامطالعه در احوال بشری دیدیم که امید در امتداد آرزوهای ممکن بشری پدید می آید و به خواسته های معقول آنها نیرو می بخشد و سبب تلاش و کوشش و مبارزه و پیشروی می شود و در انتها فهمیدیم که امید و انتظار سبب اصلی ادامه زندگی است. کوهنوردی را رد نظر بگیرید که قله ای را برای فتح و صعود برگزیده و به سوی آن در حرکت است، قله هدف و آرزوی اوست که به آن وابسته و امیدوار شده و این امید سبب تلاش و اقدام و خلاصه محرک اصلی اوست و این انتظار است که سبب می شود نیروهای خاموش آدمی روشن شود، جهت بگیرد و با تلاش و همت نتیجه ای عظیم به بار آورد. انتظار عاملی است که صبر و تلاش را به دنبال می آورد و رسیدن به مطلوب را ممکن می سازد هرچند این فرهنگ انتظار پررنگتر باشد و تلاش و کوشش برای آن بیشتر می شود.

با توجه به موارد ذکر شده در مورد انتظار می توان نتیجه گیری کرد که انتظار امری سازنده و تمرین جهت تعالی روح و اندیشه و اعتقاد ژرف به ظهور منجی و نگاهبانی برای ایمان انسان ها از سستی و یأس و دریچه ای است امیدوارکننده به سوی اجرای فرامین الهی در جهت تحقق اهداف قرآن و عترت و دارویی برای محرومان و مصلحان در انتظار آن یار دور از نظر که از فطرت الهی برخوردارند.

به عقیده علما انتظار واقعی روح را امیدوار و از هر پوچی می‌رهاند و بسیج عمومی مؤمنان است برای اصلاح ساختار جامعه مورد رضایت حضرت ولیعصر (عج الله). انتظار همانا دیده دوختن به راه تحقق امری است که منتظر را به حالت انتظار واداشته و هرچه این معنا در نظر مهم‌تر باشد برای تحقق آن بیشتر تلاش می‌کند.

دربحث انتظار، توجه به مفهوم کاربردی مبتنی بر آموزه‌های دینی اندیشه انتظار،

مهم و راهگشاست. بر اساس آموزه‌های دینی، نباید کارکرد فرهنگی اندیشه انتظار را از

کارکردهای سیاسی اجتماعی آن جدا دانست. فقدان جامع‌نگری در این مقوله، بروز

آسیب‌های فراوانی را موجب می‌گردد؛ زیرا درک صحیح مفهوم انتظار نیز مستلزم شناخت

اقتضائات و الزامات عقیدتی و سیاسی اجتماعی مقوله انتظار در عرصه‌های فکری و

رفتاری خواهد بود. از آن رو، برای رهایی از آسیب‌های انتظار خاموش و رهیافت به انتظاری

فعال و زمینه ساز، باید نگرش معرفتی جامعه منتظر، بر اساس معرفت منتظرانه و نیز

رویکرد رفتاری آنان، بر اساس سلوک منتظرانه، شکل گیرد تا زمینه برای ایجاد رغبت

اجتماعی پدید آید و این رغبت اجتماعی، به تدریج به رویکردی جمعی تبدیل گردد.

در این زمینه، ضرورت نقش آفرینی مراکز علمی فرهنگی و نخبگان فکری جهان

تشیع، در جهت جهانی سازی این اندیش الهی، بیش از همه اهمیت دارد؛ مخصوصاً در

اوضاع کنونی که گسترش تفکر اومانیستی غرب، اندیشه مردمان پاک فطرت را زمینگیر

سازی.

منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، مترجم: علی شیروانی، بی‌جا: دفتر نشر معارف، 1390.

1. ابن‌بابویه قمی، محمد، الخصال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، بی‌تا.

2. بهشتی، سید محمد، پرسه در عرصه های روزمرگی، انتشارات روزانه، 1396.

3. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیستم، 1380.

4. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل رسول (صلی‌الله علیه و آله و سلم)، ج 2، قم: بی‌نا، 1362.

5. خمینی، روح‌الله، صحیفه‌ی نور «مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره)»، ج 20، تهران: سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، 1369.

6. صادقی، مهدی، تاریخ زندگانی امام زمان (عج‌الله)، تهران: انتشارات فیض کاشانی، 1380.

7. صدر، محمد، تاریخ غیبت کبری، مترجم: حسن افتخارزاده، بی‌جا: نیک معارف، چاپ دوم، 1382.

8. طالقانی، محمود، در انتظار ظهور، قم: انتشارات جهان‌آرا، 1359.

9. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج 15، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1363.

10. طبرسی، حسین بن محمدتقی، نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه‌الله، قم: مسجد مقدس جمکران، 1416ق.

11. طوسی، امالی، قم: دارالثقافه، 1414ق.
 12. فاضلی، عبدالهادی، در انتظار امام، مترجم: حبیب روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1372.
 13. قمی، عباس، مفاتیح‌الجنان، مترجم: موسوی دامغانی، تهران: نشر سبحان، چاپ اول، 1374.
 14. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، مترجم: جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اهل‌بیت، 1344.
 15. گنجی فرد، محمدحسن، وقت معلوم، قم: بطحاء، چاپ دوم، زمستان 1378.
 16. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار (دوره 110جلدی)، مترجم: علی دوانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1361.
 17. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران: صدرا، 1371.
- مجلات و نشریات
- نعمتی، علیرضا، اثرات انتظار فرج در زندگی فردی و اجتماعی، نشریه رسالت، 1383/8/21 و 1383/6/13.
 - ستاد احیا و گسترش فرهنگ مهدویت، نشریه بوستان کتاب قم، سال نشر: 1385
 - 18-کامل سلیمان، روزگارهایی ترجمه: علی اکبر مهدوی پور، ص632/تهران انتشارات افاق 1381ش
 - 19-کمال الدین ج2ص357
 - 20-مفاتیح الجنان(دعای امام زمان)
 - 21-بحارالانوار ج4 ص36
 - 22-محمد ابن ابراهیم نعمانی، الغیبه:، ص284تهران
 - 23-صحیفه نور، ج7 ص255
 - 24-مرتضی مطهری قیام و انتظار مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ
 - 25-محمد ابن یعقوب کلینی الکافی ج 5 ص196-197 تهران
 - 26- روح الله خمینی کشف الاسرار ص289